



قسمت چهارم

حجة الاسلام
والمسلمین
موسوی تبریزی
دادستان کل
انقلاب



قوانین کیفری در اسلام

بررسی عناوین با توضیح عنوان آثاری آغاز شد. مابقی در لغت معنای ظلم و تجاوز و در اصطلاح فقها شعبه به کسی یا گروهی یا سازمان مسلمانی اطلاق می شود که علیه امام عادل یا رهبری عادل خروج کنند.

ما بعنوان نمونه به چند روایت و دستور از ائمه اطهار علیه السلام اشاره میکنیم: شیخ مفید رحمه الله علیه در کتاب ارشاد خود نامهای را از حضرت امام حسین (ع) خطاب به مردم کوفه، که توسط حضرت مسلم علیه السلام ارسال داشتند نقل میکند. در آخر آن نامه میفرماید:

"وَلَعَمْرِي مَا الْإِسْلَامُ إِلَّا الْعَامِلُ بِالْكِتَابِ"
"الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ الذَّالِمِينَ بَدِينِ الْحَقِّ الْخَائِسِ"
"نَفْسُهُ عَلَيَّ ذَاتِ اللَّهِ"

بجان خودم سوگند که رهبری و امامت امت مسلمین را نمیتواند بعهده بگیرد جز شخصی که دارای شرایط زیر باشد:

- ۱- قبل از هر کس خود به دستورات قرآن عمل کند و واجبات اسلامی را ترک نکند.
- ۲- در ایجاد عدالتهای اجتماعی و قسط میان مسلمین کوشا و با ظلم و ستم و ظالم و

ستمگر در هر موقعیت بچنگد.
۳- خود را مدیون حقیقت بداند و در برابر حق تسلیم شود و جز برای حق ظلمی تلاش نکند.
۴- تمام امکانات و توان خود را در راه الهیه و برای پیشبرد هدفهای الهیه وقف کند، و جز برای پیشبرد اهداف الهیه به چیزی فکر نکند.

روایت دوم مجمع علوم انسانی

مرحوم طبرسی در کتاب احتجاج خود نقل میکند که امام حسن عسکری علیه السلام میفرماید:

"وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ ضَائِبًا لِنَفْسِهِ"
"حَافِظًا لِدِينِهِ، مُطِيعًا لِأَمْرٍ مَوْلَاهُ وَمُخَالِفًا"
"لِهَوَاهُ فَلْيَعُوذُوا أَنْ يَقْلُدُوهُ."

یعنی اگر شخصی از فقها بزرگ اسلام برای حفظ و بقا اسلام بکوشد، و نفس خود را از کلیه ردائل نفسانی (قدرت طلبیها، شهوت رانیها - غرض ورزیها - حسادت - کینه و

شیطنتها) حفظ کند، و دستورات پروردگارا اطاعت کند و با امثال و خواستهای نفسانی خود مخالفت کند، مردم مسلمان غیرمجتهد ما باید از ایشان پیروی کنند، و مسائل دین خود را اعم از سیاسی، اقتصادی، عبادی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی از ایشان یاد بگیرند.

با توجه به روایتهای گذشته و دیگر روایات و آیات الهیه در باره رهبران جامعه اسلامی بسیار واضح و روشن است که کسی که امامت مسلمین و رهبری جامعه اسلامی را بعهده بگیرد، جز در راه اسلام و سعادت جامعه اسلامی تلاش نمیکند و جز برای اسلام و جواز اصل اسلام و قرآن سخن نمیگوید، و جز با دشمنان اسلام و حقیقت با کسی عداوت و کینهای ندارد، و جز برای الله احدی را مقدم نمیدارد، و بالاخره در تمامی اعمال خویش خود را در برابر الله عالم و قادر و متعال مسئول و در برابر مردم مسلمان خدمتگذار میداند، و حکومت خود را یک وظیفه بزرگ و



مسئولیت پس سنگین احساس میکند . و روشن است که در برابر همچون حکومت و یا رهبری قرار گرفتن، مستقیماً سدّ راه اله شدن و با خدا جنگیدن است، اگر بظاهر مسلمان و معتقد بخدا باشد . و در چنین موقعیتی رهبری مسلمین اولین وظیفه‌ای که دارد ارشاد و اصلاح و ابلاغ است که حجت را تمام کند و مردم ناآگاه را روشن سازد " تعلیمکم لی لاتجهلوا " (علی علیه السلام میفرماید : وظیفه من این است که شما را آگاه سازم تا در جهالت نمانید) . و افراد خالص و صالح را از ناخالص جدا سازد، سپس اگر تسلیم حق نشدند و در برابر حق عناد کردند، و جلوی حرکت‌های اسلامی و تلاش مسلمین را گرفتند بحکم وظیفه‌ای که امام دارند و عقل انسان نیز همین رانقضا میکند ، باید آنانکه سدّ راه الله و حرکت‌های اسلامی باشند از جلو برداشت ، و از موانع گذشت که توقف در اسلام حرام و ادامه تلاش و جهاد فی سبیل الله و هجرت برای پیشبرد اسلام واجب است . همانگونه که علی علیه السلام در جنگ صفین بیان فرمودند :

هنگامیکه از طرف معاویه تبلیغات وسیعی شروع شده بود که علی برای ریاست و قدرت طلبی، مردم را میکشد و عدای را بکشتن میدهد ، و با توجه باینکه رسول اکرم (ع) در باره عمار فرموده بودند که :

" يَا عَمَّارُ تَقْتُلُكَ الْفِتْنَةُ الْبَائِعِيَّةُ "

تو را گروه باغی خواهند کشت ، پس از کشته شدن و شهادت عمار با سر بدست اشترار باغی و مزدوران معاویه ، دیدند که در میان مردم کلام رسول الله شایع شد و برای معاویه بسیار شکننده بود . خواستند اثر کلام رسول الله را خنثی کنند ، گفتند علی عمار را برای ریاست خودش بجنگ وادار کرد و بکشتن داد ، پس علی مجرم است . همانطور که در زمان پهلوی یکی از تبلیغات ساواک این بود که امام مردم را بکشتن میدهد و فعلاً منافقین و طرفداران آنان و لیبرال‌های ورشکسته و سیاستمداران

شیطان کهنه کار تبلیغ میکنند که سیاست باصطلاح نادرست جمهوری اسلامی، جنگ را تحمیل کرده است و با انفجارها و تخریبها و ترورها را پیش آورده است .

امیرالمؤمنین برای پاسخ به تبلیغات وسیع ضد انقلابیون و معاویه و طرفداران اوو آگاه ساختن اذهان مردم فریب خورده خطیب ای ابراد فرمودند که خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه است :

" اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِقَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا اِتِّمَاسَ شَيْئٍ مِنْ فُضُولِ الْحَطَامِ وَلَكِنْ لِنُرْدُ الْمُعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَنُظْهِرَ الْأَصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، فَيَأْتِيَ مِنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَتَقَامُ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَوَّلُ مَنْ أَنَابَ وَتَمَسَّحَ وَأَجَابَ، لَمْ يَسْقُبْنِي إِلَّا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالصَّلَاةِ ."

پروردگارا تو خود بهتر میدانی که آنچه از ما انجام میگردد برای کسب مقام و قدرت و جمع آوری مال و ثروت نیست ، لکن برای بازگرداندن آثار اسلام و احیاء قوانین قرآن و ایجاد صلاح و رفاه در میان شهرهای مسلمین است ، تا مردم مسلمان و مظلوم و مستضعف آسوده خاطر و از جنگال ستمگران در آسایش باشند ، و حدود تعطیل شده تو دوباره اجرا گذاشته شود . پروردگارا تو خود بهتر میدانی که من اول کسی هستم پس از رسول الله ... بسوی تو حرکت کرده و ندای تو را لبیک گفتم و در برابر تو ، به نماز ایستادم .

سپس امیرالمؤمنین (ع) به بعضی از شرایط رهبری امت مسلمین اشاره میکنند و نسبت باینکه اگر شرایط مذکور در رهبری وجود نداشته باشد چه خسارت‌هایی امت اسلامی باید متحمل شود تذکر میدهند :

" وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْوَالِي عَلَى الْفُرُوجِ وَالِدِيمَا وَالْمَغَانِمِ وَالْأَحْكَامِ وَإِمَامَةَ الْمُسْلِمِينَ الْبَخِيلِ "

فَتَكُونَ فِي أَمْوَالِهِمْ نَهْمَةً وَلَا أَجَاهِلَ فَيُخْلِبُهُمْ بِجَهْلِهِ وَلَا أَجَاهِي فَيَقْطَعُهُمْ بِجَفَاهِهِ وَلَا أَحَائِفَ لِلدُّوَلِ فَيَتَّخِذَ قَوْمًا دُونَ قَوْمٍ وَلَا الْمُرْتَشِي فِي الْحُكْمِ فَيَذْهَبَ بِالْحَقُوقِ وَيَقِفَ بِهَا دُونَ الْمُعْطَاةِ وَلَا الْمُعْطَلُ لِسِنَّةٍ فَيَهْلِكَ الْأُمَّةُ ."

- میفرماید : شما دانستید که (از تجربیات تاریخ گذشته بدست آوردید) برای رهبری و زعامت مسلمین و کسیکه بر مال و جان و ناموس و غنائم و قوانین مسلمین سرپرستی میکند سزاوار نیست که دارای صفات ردیله زیر باشد :
- ۱- بخیل : که اگر حاکم مسلمین بخیل باشد در جمع و کترب بیت المال مسلمین بنفع خودش با حرص و ولع شدید تلاش میکند .
 - ۲- جاهل : که با جهل خودش امت را به گمراهی و ضلالت میکشاند .
 - ۳- جفاکار : که با ظلم و جفای خودش از مردم قطع میشود، و مردم را از خود و از همدیگر دور میسازد .
 - ۴- ترسو : که با ترس از دولت‌ها، ناچار به یک دولتی پناه می‌برد و از جاده مستقیم نه شرقی و نه غربی (وَلَا تَرَكْتُوا إِلَى الَّذِي سَنَ ظَلَمُوا فَمَتَّكُمُ النَّارُ) دور می‌شود .
 - ۵- رشوه خوار : که با اخذ رشوه ، حقوق حقه مردم را ضایع میکند و در جای خود حکم الهی و اسلامی را جاری نیسازد .
 - ۶- کسیکه در اجرای دستورات پروردگار سهل انگار و یا بی تفاوت باشد که با تعطیل سنت الهی و دستورات آسمانی ، امت را به هلاکت و پرتگاه سقوط کشاند .
- برای خواننده محترم از کلمات علی علیه السلام در این خطبه روشن میشود که چرا علی علیه السلام در برابر معاویه و طرفداران او و خوارج و دیگر گروه‌هایی که در برابر ایشان قیام کرده بودند ، و برای براندازی حکومت برهبری امیرالمؤمنین شمشیر گرفته بودند ،



یعنی بهر حال در میان مسلمین تا چهرسد به مو' منین خلاقی نیست در اینکه واجب است مبارزه کردن با کسیکه در برابر امام عادل قیام و خروج کنه و ترک جنگ با او از گناهان کبیره است و فرار کردن از جنگ با او مانند فرار از جنگ با مشرکین است . تقریبا عموم فقهای بزرگ شیعه و اهل تسنن باین مسئله فتوی دادند . و ما این بحث را با نقل چند روایت از ائمه معصومین علیهم السلام به پایان میرسانیم :

" محمد بن عمر بن علی علیه السلام
 " عن ابیه عن جده ان النبی (ص)
 " قال له : یا علی ان الله تعالی قد
 " کتب علی المؤمنین الجهاد
 " فی الفتنه من بعدی كما کتب علیهم
 " الجهاد مع المشرکین معی فقلت :
 " یا رسول الله و ما الفتنه الّتی کتب
 " علینا فیها الجهاد ؟ قال فتنه قوم
 " یشهدون ان لا اله الا الله و انبی
 " رسول الله و هم مخالفون لسنّتی
 " و طاعتون فی دینی فقلت : فعلام
 " نقاتلهم یا رسول الله و هم
 " یشهدون ان لا اله الا الله و انک
 " رسول الله ؟ فقال : علی احداثهم
 " فی دینهم و فراقهم لامری و
 " استخلا لیم دما عترتی "

(وسائل الشیعه ج ۱ ص ۶۱ حدیث ۷ باب ۲۶)

نوه' بسری حضرت علی علیه السلام بنام محمد بن عمار از جد بزرگوارش امیر المؤمنین بواسطه' پدرش نقل می کند که امیر المؤمنین فرمود : رسول الله بمن فرمودند : یا علی خداوند متعال بر مو' منین همانطور که در زمان من و با حضور من جهاد با مشرکین را واجب و لازم گردانیده بود ، پس از من نیز بر آنان جهاد در فتنه را لازم کرده است .

من گفتم یا رسول الله فتنه ای که جهاد با آن برای ما واجب است کدام است ؟ فرمودند : توطئه و فتنه گروهی است که بظاهر لاله الا الله

و در برابر همچون حکومتی هر کس با گروهی مبارزه کرد باید بجنگند تا حرکت های اسلامی شکل گیرد ، و امت اسلامی از ضلالت و گمراهی و مظلومیت نجات یابند .

بدیهی است که در برابر چنین حکومتی قیام کردن در حکم مبارزه با اسلام است و بنا بر فتوی بعضی از فقهای مانند صاحب جواهر مرتکبین آن کافر و با در حکم کافرند و جنگیدن با بغا' یکی از فرائض و واجبات بزرگ اسلامی است و ترک آن معصیت کبیره است و لذا مرحوم محقق در شرائع میفرماید :

" وَ کَیْفَ کَانَ فَلَاحِلًا فَبَیْنَ الْمُؤْمِنِیْنَ
 " فَضْلًا عَنِ الْمُؤْمِنِیْنَ فَبِأَنَّهُ یَجِبُ قِتَالُ
 " مَنْ خَرَجَ عَلَیْ إِمَامٍ عَادِلٍ وَ التَّأَخَّرَ
 " عَنْهُ کَبِیْرَةٌ ، وَ الْفِرَارُ مِنْ حَرْبِهِمْ کَالْفِرَارِ
 " مِنْ حَرْبِ الْمُشْرِکِیْنَ . "

**آنانکه با علی
 جنگیدند جرمشان
 از کسانی که با
 رسول الله
 جنگیدند سنگین تر
 است**



اینچنین رفتار میکرد و میجنگید و هرگز نمیگفت من حکومت را ترک کنم و در قبال خواسته های بناحق آنان تسلیم شوم ، چراکه حق خودش نبود و اصلا خود مطرح نبود ، آنچه بود اسلام و احکام اسلام و نجات ملت و مسئولیت در برابر امت بود . و لذا وقتی گروهی با خلیفه سوم (عثمان) بیعت کردند و بعضی از دوستان ایشان اعتراض نمودند که چرا ساکت هستند فرمودند :

" لَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنّی أَحَقُّ النَّاسِ بِهَا مِنْ عُیْرَیْ
 " وَ وَ اللَّهِ لَا سَلْمَ مَا سَلِمْتُ أَمْسُورُ
 " الْمُؤْمِنِیْنَ ، وَ لَمْ یَكُنْ فِیْهَا جَوْرٌ إِلَّا
 " عَلَیْ خَاصَّةٍ ، التَّمَا سَالَا جِرْ ذَلِكُمْ وَ فَضْلُهُ
 " وَ زَهْدُ فِی مَا تَنَا فَسْتَمَوْهُ مِنْ زَخْرَفِهِ وَ زَبْرَجِهِ "

(خطبه ۷۳ فیص الاسلام)

شما میدانید که من برای خلافت و رهبری امت از هر شخص دیگری شایسته ترم ، لکن بخدا قسم من خلافت را رها میکنم و برای بدست آوردن آن نمی جنگم ، مادامیکه امور مسلمین منظم و صالح باشد و فتنه و فساد برای برچیدن اسلام نباشد و مادامیکه در خدمت دیگران جز خودم احدی از مسلمین مظلوم واقع نشود ، و این سکوت برای کسب و طلب اجر و ثواب است که بخاطر مصالح مسلمین صبر کنم ، و بجهت بی رغبتی به مال و جاه دنیا است که شما (مردم دنیا) بآن شائق و طالب هستید .

از این سخن نیز روشن میگردد که اگر مصالح اسلام و مسلمین باشد علی علیه السلام و پیروان ایشان اگر چه خود را شایسته تر و سزاوارتر برای حکومت نیز بدانند به خاطر آن نمی جنگند و سکوت اختیار می کنند . لکن وقتیکه اسلام و یا مصالح مسلمین را در خطر دیدند و احکام و حدود الهی را تعطیل شده یافتند و حق مسلمین را ضایع شده احساس کردند ، واجب است که برای بدست آوردن حکومتیکه احکام الهی احیا شود و حقوق از دست رفته مردم باز پس گرفته شود قیام کنند



بودند، یعنی علی و اهل بیت و مقام زهد و مجاهدت و علم و ورع و شهادت و شایستگی ایشانرا می دانستند و با آگاهی و بصیرت تمام با علی جنگیدند، و لذا جنگ با آنان نیز در بعضی از روایات از جنگ با کفار جاهل نوابش بیشتر ذکر شده است.

ما بهمین مقدار از روایات کفایت میکنیم در حالیکه روایات بسیار است. در وسائل الشیعه و تهذیب و مستدرک الوسائل و کتابهای دیگر نقل شده است امیدواریم کافئاً اللہ برادران و خواهران محترمی که از روی بی توجهی و با غفلت و یا مسائل دیگر در دام شیاطین افتاده اند، و سرانجام در برابر اسلام و قرآن و امام عادل مسلمین قرار گرفته و شمشیر کشیده اند، و مصداق باغی درد دنیا و آخرت شده اند، هر چه زودتر با تجدید نظر و دقت بیشتر، حق را بشناسند و باطل را رها کنند و بصف بزرگ الهی امت اسلامی بیبوندند، و ما آنها را از خود جدا نمیدانیم بلکه با آغوش باز می پذیریم، و برادران و خواهران خود میدانیم که در دام توطئه گران گرفتارند همانگونه از علی علیه السلام نقل شده است که:

"لَمْ يَكُنْ يَنْسِبُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ حَرَبِهِ إِلَيَّ"
"الشِّرْكِيِّ وَلَا إِلَيَّ التَّفَاقِي وَلَكِنَّهُ كَانَ يَقُولُ:"
"هُمُ إِخْوَانُنَا بَعَثُوا عَلَيْنَا"

(وسائل الشیعه ج ۱ ص ۶۲ خبره ۱ باب ۲۶)
یعنی علی علیه السلام کسانرا که با ایشان در حال جنگ بودند به شرک و نفاق نسبت نمیدادند و میفرمودند آنان برادران ما هستند که در اثر اشتباه و انحراف علیه ما خروج کردند و بر ما ظلم نمودند.

به امید بیدار شدن دلها و بیوستن عموم برادران و خواهران فریب خورده بصفوف حزب الله.

۱۵۱۴۰۵ دارد

راستین ما که از کشتن مانند آیت الله زاهد مجاهد، شهید محراب مدنی و آیه الله عارف و زاهد و مجاهد، شهید دستغیب و آیت الله بهشتی و مطهری و غیره لذت می برنسد و ریختن خون پاک آن عزیزانرا حلال و بلکه عبادت می شمردند.

حدیث دوم:

ابن شهر آشوب در کتاب مناقب خود از امام باقر علیه السلام نقل میکند که ایشان کسانرا که با علی علیه السلام می جنگیدند ذکر کرد و فرمود:

"أَمَّا إِنَّهُمْ أَعْظَمُ جُرْمًا مِمَّنْ حَارَبَ"
"رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ."
"قِيلَ لَهُ وَكَيْفَ ذَلِكَ يَا أَيْنَ رَسُولٍ"
"اللَّهُ؟ قَالَ: وَأَوْلَيْكَ كَأَنَّهُمْ أَهْلٌ"
"جَاهِلِيَّةٌ وَهَؤُلَاءِ قَرَأُوا الْقُرْآنَ وَ"
"عَزَمُوا أَهْلَ الْفَضْلِ فَأَتَوْا مَا أَتَوْا"
"بَعْدَ الْبَصِيرَةِ"

(مستدرک الوسائل ص ۲۵۲ ج ۲ باب ۲۴)

در میان مسلمین در وجوب مبارزه با کسی که در برابر امام عادل خروج کند

اختلافی نیست

یعنی آنکه با علی جنگیدند جرمان از کسانیکه با رسول الله جنگیدند سنگین تر است سوال شد چرا؟ فرمودند: برای اینکه در زمان رسول الله کسانیکه می جنگیدند جاهل بودند، در حالیکه اینها قرآن را خوانده بودند، و اهل فضل و فضیلت را شناخته

و محمد رسول الله میگویند و از توحید به اسلام راستین و رسالت دم میزنند، در حالی که با سنت و روشهای من مخالف هستند و در دین من طعن میزنند (با چیزیکه از دین نیست بنام دین معرفی میکنند و دین را با غیر دین و ضد دین مخلوط میکنند و یک ایدئولوژی التقاطی برای خود تنظیم میکنند و با بظاهر از اسلام و قرآن حرف میزنند و در واقع دین اسلام واقعی را ارتجاعی می نامند و مطالب الحادی و نفاق انگیز را بعنوان اسلام راستین معرفی میکنند) همانطوریکه اخیراً نخست وزیر محترم پاریس نشین آقای بنی صدر اعلام کرده بود که در جمهوری دموکراتیک اسلامی ما تنها اسلام نیست که فعالیت میکند بلکه کلیه گروههای غیر اسلامی و ضد اسلامی با اصطلاح مترقی !! می توانند در تشکیل دولت ما سهیم باشند و ما اسلامیکه رژیم جمهوری اسلامی و رهبران میگویند قبول نداریم آری، درست همانطوریکه رسول الله فرمودند شهادتین را میگویند ولی از پشت با اسلام ضربه میزنند (طعن ضربه زدن در خفا، و یا از جای نامعلوم را میگویند همانطوریکه در کشتن شتر بدون اینکه آن بفهمد نیزه را از پشت میآورند و به نحر آن وارد میسازند و این عمل را در لغت طعن میگویند)

پس برای روشن شدن مطلب و محکم تر شدن مسئله که در آینده شبهه ای باقی نماند، علی علیه السلام میگوید پرسیدم: یا رسول الله آنها که شهادتین را میگویند و بتوحید و رسالت شما شهادت میدهند، پس برای چه با آنان بجنگیم و چرا؟ فرمودند: بجهت اینکه آنان در دینشان چیزهاییکه از دین نیست وارد ساختند و از حکومت اسلام و حکومت من و ولایت من بیرون رفتند و ریختن خون اهل بیت مرا حلال میدانند.

عجبا، جقدر رسول الله مطلب را واضح فرموده اند و چه جالب است تطبیق این روایت و سخن حق با گروهکهای محارب مدعی اسلام